



### رونمایی از مستند اسلام هراسی در غرب

در راستای تحقق تدابیر رئیس محترم سازمان مبنی بر فعالیت امور بین الملل در خصوص مقابله و مبارزه با اسلام هراسی، دفتر نمایندگی سازمان در لندن اقدام به ساخت مستند «اسلام هراسی در غرب» کرده است و به زودی این مستند روی آنتن سیما خواهد رفت. به گزارش جام جم، این مستند به سخنان اماتونل مکرون،

رئیس جمهور فرانسه درباره اسلام و مسلمانان اشاره دارد که موجب خشم بسیاری از مسلمانان شد. در مستند اسلام هراسی در غرب که دفتر نمایندگی سازمان در لندن تولید کرده است، با نگاهی به تاریخچه استعماری فرانسه، به تناقض‌ها در سیاست‌های رژیم فرانسه پرداخته شده و آشکار و مشخص می‌شود که مکرون هنوز

❗ **در کنار گرمی که هر کس با شدت و ضعف مختلفی در سریال آن را تجربه کرده، ما آرزویی را داریم که انگار کارش از گرم گذشته و یک دفعه به جایش شخص دیگری آمده، چرا چنین انتخابی داشتید؟**

**خردمندان:** یکی از دلایلی این بود که صورت آرزوی فصل ۲ خیلی جوان و سن او به لحاظ واقعی از بچه‌های ما پایین‌تر بود. یعنی بچه‌های ما خودشان حدود ۲۴ سال دارند اما آن خانم در دنیای واقعی هم حدود ۲۰ سال داشت و خیلی هم صورت پچگانه‌ای داشت. البته مشکلات دیگری هم در حوزه گرم و این دست تغییرات وجود دارد.

❗ **چه مشکلی؟**

ما در مورد گرم خانم‌ها مشکل داریم به خصوص در آن سن. مثلا مینا را که لایه بلوکات بازی می‌کرد می‌توانم تا حدی در گرم بشکنم اما آرزو را واقعا هیچ کاری نمی‌شد کرد. حالا در مورد آقایان باز هم داستان کمی فرق می‌کند و مثلا می‌شود در ریش و موهای آنها دست ببریم یا

### با آقای بذرافشان اختلاف نظر نداشتیم

❗ **به نسبت فصل‌های قبل فکر می‌کنید که دیده‌شدن این اثر چطور اتفاق افتاده و آیا توانستید در این سری موفق عمل کنید؟**

**خردمندان:** تمام نظرسنجی‌ها، آمارها و بازخوردهایی که مجموعا به دست آوردیم، نشان می‌دهد که شیب مخاطبان سریال از سرنوشت از قسمت یک تا الان اگر بخواهیم کلا حساب کنیم، تا قسمت ۶۴ کاملا صعودی بوده است. ما بازخورد‌ها در فضای مجازی را رصد می‌کنیم که فکر می‌کنیم بیشترین بازخوردها را داشته و هر فصل نسبت به فصل قبل مان بازدید بیشتری داشته‌است. همچنین تعداد مخاطبانی که به سریال اضافه می‌شوند هم برای خود ما جالب است و ما می‌بینیم تعداد زیادی از بازخوردها مربوط به کسانی است که گویا قبل‌تر ما را نمی‌دیدند و تازه مخاطب شده‌اند. به موازات این قسمت‌ها ما بارها دیدیم که آمار بازدید از فصول قبل هم بالا رفته است و این یعنی مخاطبانی هستند که تازه با ما همراه شدند.

❗ **در فصل دوم یک سری بازیگران تغییر کردند، تعدادی هم به مجموعه اضافه شدند که احتمالا انتخاب‌های علیرضا بذرافشان به عنوان کارگردان فصل دوم بودند.**

**چقدر موافق این انتخاب‌ها برای ادامه همکاری بودید؟**

**خردمندان:** تمام بازیگران فصل اول و دوم انتخاب مشترک ما بود، چون در یک دفتر پیش تولید رقتیم و بازیگران را انتخاب کردیم. تقریبا ترکیب بازیگران ما در فصل اول بسته شده‌بود و فقط تعدادی از بازیگران که در فصل سوم به کار اضافه شدند، انتخاب من بود. البته بازیگران هاشم و سهراب در کودکی، انتخاب من و در جوانی، انتخاب آقای بذرافشان بود، اما در این مورد هم اختلاف دیدگاه نداشتیم.

❗ **از سرنوشت اولین سریال شما بود، باز هم با تلویزیون کار خواهید کرد؟**

**خردمندان:** واقعیت این است تجربه کار در تلویزیون برایم جذاب بود. این فقط به خاطر این نیست که سریال موفق بوده، بلکه تجربه کار طولانی و فشرده خیلی برایم خوب بود. مردم اگر راضی باشند، چرا که نه؟

❗ **پیشنهاد کار داشته‌اید؟**

**خردمندان:** پیشنهادها فراوان است، ولی هنوز کاری را شروع نکرده‌ام.



### دیالوگ‌های صمیمی و لب مرز



❗ **اتفاق دیگری که در این سریال و در بخش دیالوگ‌ها افتاده، نزدیکی لحن آنها به فضای امروزی است که شاهدش هستیم. مثل تعاملات نغمه با سهراب به عنوان دوست همسرش یا حتی شکل صحبت کردن و رابطه هر کدام از زوج‌ها با هم. قابلی که کمتر در سریال‌ها شاهدش بودیم و تازگی داشت، درست است؟**

**خردمندان:** من فکر می‌کنم بخش زیادی از ماجرا و شیوه دیالوگ و اتفاقاتی که شاهدش بودید به این برمی‌گردد ترکیبی که در قسه است که آنها را مثل دو برادر می‌بینند و انگار نغمه هم در حال همدات‌پنداری قوی بین مخاطب و فضایی که قرار بود آن را اجرا کند ایجاد شد و مردم آنقدر خوب آنها را باور کردند که وقتی نغمه به سهراب می‌گوید سهراب نه آقای ایاسی، خیلی آن را می‌پذیرند و خوب در قسه تالیف می‌شود. در کار ما این اتفاق به دلیل همان همدات‌پنداری و شناختی که از کاراکترهایمان به‌دست آمده، نیفتاده است.

**محمد محمود سلطانی:** یک پلکی و صداقتی در رابطه سهراب و هاشم و رفاقت عمیقی بین آنها وجود دارد که آنقدر برای مخاطب قابل باور است که آنها را مثل دو برادر می‌بینند و انگار نغمه هم در حال صحبت با برادرشوهرش است. ما از ۱۰ سالگی نغمه‌ای که حضور ندارد را معرفی می‌کنیم و هاشم از همان موقع آرزو دارد که با نغمه ازدواج کند و ثمر آن در فصل ۳ است. در واقع جا افتادن روایات اینها یکی از دلایل دیگر این شکل از تعامل است.

**بهارمست:** من فکر می‌کنم گاهی ما خودمان جلوتر می‌رویم و دچار خودسانسوری می‌شویم. مثلا می‌گوییم فلان اتفاق نمی‌تواند بیفتد پس اصلا نمی‌ساختیم آن را و به نظر خودمان گاهی به این فضا دامن می‌زنیم و اگر ما هم آن را نمی‌ساختیم، خب الان نمی‌توانستیم درباره‌اش حرف بزنیم.

**خردمندان:** یکی از دلایل جذب جوان دارد و می‌بینید که بیشترین مخاطب ما هم جوان‌ها و نوجوانان هستند. به هر حال جوانی که در فضای واقعی جامعه زیست می‌کند، زمانی می‌تواند مخاطب یک اثر شود که خودش را در آن قسه ببیند. این فضا به نظر من تا اندازه زیادی در از سرنوشت اتفاق افتاده و از این نظر به عقیده من یک تاوش‌شکنی و جسارت به خرج داده. منتقدی ما را با «روزگار جوانی» مقایسه کرده و گفته بود که از سرنوشت روزگار جوانی دهه جدید است.

### عواقب و تاثیرات تغییر کارگردانی

❗ **تغییر کارگردانی در این سه فصل هم موضوع دیگری است که وجود دارد. این رفت و برگشت آقای خرمدندان و حضور علیرضا بذرافشان در فصل ۲، برای شما به عنوان بازیگر دشواری نداشت؟**

**لیلا بلوکات:** من در فصل ۲ خیلی کوتاه با آقای بذرافشان کار کردم و بقیه بچه‌ها نقش‌ها و تجربه بیشتری داشتند. به هرحال من هم با آقای بذرافشان و هم با آقای خرمدندان آشنا بودم و به هر حال با هر کارگردانی خودم را با شرایط وفق می‌دهم. در اینجا هم هر کدام یک شیوه و نگاه خود را دارند و به هر حال در هر فصل تفاوت‌هایی از سن گرفته تا قسه وجود دارد که کارگردانی آن را هم با سری قبل متفاوت می‌کند.

**بهارمست:** به هر حال دو نگاهی که وجود داشت، خیلی با هم متفاوت بودند اما نگاه و شیوه کاری هر دو هم خیلی جذاب بود. من اگر بخواهم از این تفاوت‌ها بگویم، بیشتر می‌توانم فنی بگویم. مثلا آقای خرمدندان در کارگردانی بیشتر سکانس – پلان یا پلان‌های طولانی می‌گیرند اما آقای بذرافشان خیلی تقطیع می‌کنند. با این حال جفتش جذاب است و در هر سری ریتم سریال به شکلی درمی‌آید اما برای من شخصا سکانس- پلان و پلان‌های طولانی که ضبط می‌شوند، جذاب‌تر است چون کمی بیشتر شبیه تئاتر است و آن را رکورد حسی که تداوم آن راحت‌تر انجام می‌شود در این پلان‌ها بهتر است و چون فصل ۳ پر بود از سکانس‌های حسی، کارگردانی آقای خرمدندان خیلی به آن کمک کرد.

**دیباچ:** درست است که در این چند فصل جابه‌جایی‌هایی را در زمینه کارگردانی داشتیم اما نکته‌ای که وجود دارد این که از ابتدا ساختار یک شکل نوشته و طراحی شده بود به همین دلیل هر دو کارگردان در یک مسیر و براساس همان ساختار پیش رفتند و این سری هم چنین جریان‌ی ادامه دارد. با همه اینها تفاوت‌هایی در نحوه کار آنها وجود دارد که البته به نظر من جزو چالش‌های مثبت ماجرا بوده و به کار کمک کرده است، چون در کنار آن ساختار واحد هر کدام نگاه مختص خودشان را دارند که به کار هم تنوع می‌دهد.

**خردمندان:** من فکر می‌کنم در فصل دو کار آقای بذرافشان به مراتب به نسبت کاری که من در فصل سوم انجام دادم، سخت‌تر بوده. به این دلیل که بذرافشان باید تقریبا چهار سال کوچکتر از خودشان را بازی می‌کردند و آقای بذرافشان به نسبت ما که سن واقعی‌شان را بازی کردند، چالش بیشتری داشتند.

### چالش‌های فاطیما و کیسان با نغمه و سهراب

❗ **خانم بهارمست، شما به هر حال دو فصل است که با نغمه زندگی کردید و این سری او را بیشتر از قبل می‌شناختید. این نزدیکی و شناخت در ادامه چقدر به کمک شما نغمه آمد؟**

**فاطمیما بهارمست:** کارهایی که مثل از سرنوشت در دو فصل و دو مقطع سنی مختلف قرار است بازی شود، کمی سخت‌تر است. علی‌الخصوص آن‌که شخصیت‌ها در آن دو فصل تفاوت سنی زیادی ندارند. یعنی در عین حال که نزدیک‌اند اما متفاوتند. شاید مثلا فزیک من، صورتم و... در ۲۶- ۲۵ سالگی تغییر زیادی نکند اما نوع نگاه من به زندگی و تمام اتفاقات اطرافم خیلی متفاوت است و اینکه ما این کار را درباریم، برای من خیلی سخت بود و واقعا. باید از نویسندگان و آقای خرمدندان تشکر کنم که خیلی به ما کمک کردند تا این نزدیکی اتفاق بیفتد، چون در فصل دو که حدود ۱۹ سالگی را بازی می‌کردیم، آقای بذرافشان هم واقعا زحمت کشیدند و مدام به ما می‌گفتند که خیلی همه چیز را برای خودتان عمیق نکنید، اینها بچه‌اند و با این‌که نغمه از بچگی کاراکتر عاقلی است اما خیلی نباید اتفاقاتی که برایش می‌افتد را تبدیل به دغدغه عمیق کند چون او در آن سن بازیگوشی، ناخفتگی و همه اینها را داشت. حالا در فصل سه همه اینها باید تبدیل به حس‌های عمیق می‌شد که خوب سخت بود و برای آن تمرین کردیم.

❗ **چه تمرینی؟ این‌که آن فاصله و گذر زمان را جا بیندازید؟**

**بهارمست:** بله، در فصل ۳ ما با نظارت آقای خرمدندان با آقای سلطانی تمرین

می‌کردیم که خیلی مفید و جذاب بود چون فصل سه خیلی سخت بود و پر از لحظاتی بود که بازی کردنش واقعا مشکل بود. در سریال‌هایی که امروز هستند اغلب در پیش تولید چیزی در اختیار تو قرار داده نمی‌شود و نمی‌دانی قرار است چه کنی. اما در اینجا همه چیز آماده بود و ما واقعا خوشبخت بودیم.

**آقای دیباچ شما هم با این نقش مدت‌هاست همراه شده‌اید. برای این‌ای نقش سهراب فصل ۳ این ماجرا برای شما چطور بود؟**

**کیسان دیباچ:** هر چه مدت حضور در کاری طولانی می‌شود، با آن شخصیت واقعا همراه می‌شوی و زندگی می‌کنی. با سهراب هم این جریان حدود سال ادامه داشت و طبیعتا شناخت من از او عمیق‌تر شده است و این شناخت قطعا می‌تواند تاثیر بهتری بگذارد و روی ارائه بهتر آن اثر بگذارد.



در توهم امپراتوری فرانسه است و نگاهی به دیگران، به‌ویژه کشورهای آفریقایی، ادامه همان سیاست‌های استعماری است. در این مستند تاکید شده است که اسلام‌هراسان، اعتماد به نفس مسلمانان را هدف گرفته‌اند و نباید اجازه داد آنان به این خواسته خود دست یابند.



بازیگران، نویسندگان و کارگردان فصل سوم سریا بودند و به نقد

# روایت نزدیک

❗ **سرنوشت «هاشم» و «سهراب» در سومین فصل خود به روزهای پایانی پرسش را با عوامل سریال که مهمان تحریریه روزنامه جام جم بودند مط نشستی که با آنان داشتیم، گفت‌وگوی مفصلی ترتیب دادیم و نقدها و سیدمحمدرضا خرمدندان، کارگردان؛ کیسان دیباچ، بازیگر نقش سهراب روح... صدیقی، نویسندگان از حاضران این نشست بودند که می‌توانید شر**

فاطمه شه‌دوست  
نوشین مجلسی

رسانه

### جای خالی داستانک‌ها

❗ **گویی فصل ۳ بیشتر برای به ثمر رساندن، داستان‌های فصل ۲ ساخته شده و تعداد داستانک‌های آن به نسبت سری پیش کمتر شده‌است. گره‌هایی هم که ایجاد می‌شود، حول محور قسه اصلی است، چرا خرده داستان‌های این فصل را کم کردید؟**

**سلطانی:** این‌که شما می‌گویید در مورد سه فصل صادق است و نمی‌شود چنین تفاوتی را فقط در فصل ۳ دید. در واقع نگاه دوربین‌مان به ماجراها، از طریق سهراب و هاشم باشد. در سه فصل کمتر سکانسی وجود دارد که سهراب در آن نباشد. این کار را سخت می‌کند. سریال‌های دیگر سه خط قسه را تعریف می‌کند و در جایی اینها به همدیگر مرتبط می‌شوند، ولی ما یک خط اصلی داریم و همین در جاهایی دست و پایمان را می‌بندد. مثلا یک‌بار کیسان مریض شده‌بود و کار خوابید، چون سکانسی نداشتند که بدون او بگیرند. البته در این فصل خرده داستان‌هایی درباره داوود، دزدی و... داریم که همه یک پیکره واحد دارند و در خدمت درام اصلی هستند. می‌شود گفت تفاوت فصل ۳ در ریتم آن است. از سرنوشت در سه مقطع روایت می‌شود؛ کودکی، نوجوانی و جوانی. کار در مقطع کودکی و نوجوانی شخصیت‌ها، بیشتر بر محور حال و هوای آنان می‌گردد. در مقطع جوانی، اتفاق‌های بیشتری برایشان می‌افتد چون زندگی دارد برایشان در مسائلی چون کار، ازدواج و... شکل جدی‌تری پیدا می‌کند و باعث می‌شود یک سری مشکلات به وجود بیاید که البته نطفه آن حوادث در فصل ۱ و ۲ بسته شده‌است. در این مورد حرف شما صحیح است که سریال هر چه به سمت قسمت‌های آخر می‌رود به اوج می‌رسد و نتیجه رویدادهای قبل مشخص می‌شود.

**صدیقی:** وقتی شخصیت‌های اصلی را انتخاب کردیم تصمیم گرفتیم اتفاق‌هایی را که برای آنها می‌افتد، پوشش بدهیم و هر جا از آنان جدا می‌شویم، باز ماجرا مستقیم به هاشم و سهراب مرتبط باشد. مثلا اگر با اسماعیل همراه هستیم، او می‌خواهد هاشم را نجات دهد. اگر صحنه‌هایی می‌بینیم که ماجدی به دنبال چیدن دسیسه‌ای برای سهراب است. این شیوه به کار ما انسجام داد. به همین خاطر مخاطب هیچ جایی از سریال با خود نمی‌گوید چرا الان دارم این صحنه‌ها را می‌بینم یا چرا با فلان شخصیت همراه هستم؟!

**خردمندان:** مثلا سکانسی که در کارگاه اتفاق می‌افتد و هاشم سر داوود داد می‌زند، به ظاهر بی‌ارتباط به نظر می‌رسد. اما مخاطب در اینجا دارد رگه‌هایی از غرور و تغییر در هاشم می‌بیند و این به شخصیت‌پردازی هاشم کمک می‌کند. در واقع بعدا قسه روی این اتفاق‌ها سوار می‌شود.

خرمدندان کیست؟ گفت بهترین فیلم‌های کوتاه و صد تاییه‌ای را می‌سازد و یک فیلم بلند به اسم «۲۱ روز بعد» را هم ساخته است. من اسم این فیلم سینمایی را شنیده بودم. بعد از آن روز، فیلم را خریدم و دیدم محمدرضا

**خردمندان:** بعد از شنیدن این خاطره، چند روزی فکرم درگیر بود و به این نتیجه رسیدم قطعا به دلایلی که شاید ندانیم، در خیلی از موقعیت‌ها قرار می‌گیریم. نطفه بسیاری از اتفاق‌ها در جای دیگری که ما نمی‌دانیم کجاست، شکل می‌گیرد و این جریان در کل عالم وجود دارد.